

جایگاه مفهوم جنگ عادلانه در سیره نظامی صلاح‌الدین ایوبی

فاطمه احمدوند؛* علیرضا اشتری تفرشی؛** سمیه آقامحمدی؛***
حسن صیانتی***

چکیده

دوران بیست و دو ساله (۵۶۷-۵۸۹ ق) سلطنت صلاح‌الدین ایوبی، بنیانگذار ایوبیان مصر و شام، با ده‌ها نبرد با صلیبیان همراه بود. افزون بر آن، نبردهای وی با امیران مسلمان در مصر، شام و شمال عراق نیز جریان داشت. این مقاله بر آن است تا حاصل پژوهش تاریخی خود در منابع اسلامی و برخی پژوهش‌های مسیحیان را که از روشی توصیفی-تحلیلی فراهم آمده است، با رهیافت معرفی شده از نظریه جنگ عادلانه بکاود تا به این پرسش پاسخ دهد که رفتار و سیاست‌های نظامی این چهره تاریخی تا چه حد با اصول جنگ عادلانه قابل تطبیق است؟ دستاورد این پژوهش نشان از آن دارد که رفتار نظامی صلاح‌الدین بیشتر با نظریه واقع‌گرایانه جنگ تطبیق دارد تا با مفهوم و اصول نظریه جنگ عادلانه؛ زیرا در حالی که اصول جنگ عادلانه را جنگی قانونمند برای رسیدن به صلح و با اجتناب از رفتار خشونت‌بار با غیر نظامیان، اسیران و فضاهای محیطی مورد تهاجم می‌دانند، در کارنامه صلاح‌الدین، جنگ‌هایی برای رسیدن به سلطه بیشتر، همراه با انتقام‌جویی و تهاجم‌های نامتعارف آسیب‌زا برای غیر نظامیان دیده می‌شود؛ لذا به

* نویسنده مسئول: استادیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، ahmadvand@ISR.ikiu.ac.ir

** استادیار دانشگاه حکیم سبزواری، a.tafreshi@hsu.ac.ir

*** دانشجوی دکتری دانشگاه فردوسی مشهد somayyeaghamohammadi@yahoo.com

**** استادیار دانشگاه حکیم سبزواری siyanati@hsu.ac.ir

| تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۱۹ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۲۰ |

رغم رفتارهای سلطان ایوبی در رعایت موازین اخلاقی در بسیاری جنگ‌ها، خشونت و قدرت‌طلبی در موارد متعددی از دیگر جنگ‌های وی دیده می‌شود.
کلیدواژه‌ها: صلاح‌الدین، جنگ عادلانه، صلیبیان.

۱- مقدمه

جنگ از مهم‌ترین پدیده‌های حیات بشر است و آن را گاه «درگیری واقعی، بین‌المللی، گسترده و مسلحانه میان جوامع سیاسی بر سر قدرت و حکومت» می‌دانند (حاج-اسماعیلی و حبیب‌الهی، ۱۳۹۱: ۳۲) و گاه «توسل به زور بدون هیچ محدودیت زمانی و مکانی» تعریف می‌کنند (مهدویان و افتخاری، ۱۳۹۷: ۱۶۶). اهمیت تاریخی جنگ در کنار ماهیت خشن آن موجب شده است تا دیدگاه‌های مختلفی در باب آن از سوی فلاسفه اخلاق در تبیین رابطه میان اخلاق و جنگ مطرح شود؛ سه دیدگاه اصلی موضوع جنگ عادلانه، صلح‌گرایی و واقع‌گرایی را مطرح می‌کنند. از جمله، نظریه جنگ عادلانه بیان می‌دارد که در صورت رعایت عدالت در شروع، انجام و اتمام جنگ، جنگ عادلانه، اخلاقی و حتی ضروری است (حاج‌اسماعیلی و حبیب‌الهی، ۱۳۹۱: ۳۲-۳۳). جنگ عادلانه را گاه دارای ویژگی‌هایی مانند غیرایدئولوژیک و جنگی برای دفاع و صلح می‌دانند (مهدویان و افتخاری، ۱۳۹۷: ۱۶۶-۱۶۷). نظریه جنگ عادلانه ابتدا در سنت الهیات مسیحی مطرح شد و امروزه حوزه‌هایی مانند حقوق بین‌الملل، علوم سیاسی و دین پژوهشی را نیز تحت تأثیر قرار داده است (همان، ۱۶۳).

در جنگ عادلانه، حکمران به عنوان رهبر جنگ اهمیت فراوان دارد. این جنگ باید شش ویژگی داشته باشد: هدف عادلانه، یعنی در برابر تجاوز و ظلم باشد؛ انگیزه باید عادلانه باشد و نه برای تنفر، انتقام و تجاوز؛ آغاز جنگ فقط از سوی دولت مشروع باشد؛ جنگ باید تنها راه حل باشد؛ احتمال پیروزی منطقی وجود داشته باشد؛ منافع انسانی جنگ از ضررهای احتمالی آن بیش‌تر باشد (حاج‌اسماعیلی و حبیب‌الهی، ۱۳۹۱: ۳۳-۳۴؛ مهدویان و افتخاری، ۱۳۹۷: ۱۶۸). اصول جنگ عادلانه چنین است: پیروی از قوانین بین‌المللی؛ عدم تعرض به غیر نظامیان؛ عدم استفاده از سلاح‌های غیرمتعارف؛ خوش‌رفتاری با اسیران؛ عدم استفاده از روش‌های غیرمعمول مانند نسل‌کشی، تجاوز جنسی، انتقام‌جویی و اقدام مقابله به مثل (حاج‌اسماعیلی و حبیب‌الهی، ۱۳۹۱: ۳۴؛ مهدویان و افتخاری، ۱۳۹۷: ۱۶۹-۱۷۳).

| جایگاه مفهوم جنگ عادلانه در سیره نظامی صلاح الدین ایوبی | ۳

عدالت پس از جنگ، یعنی رسیدن به صلح نیز از ضروریات جنگ عادلانه است؛ بدین معنی که باید قصد لازم برای پایان دادن به موقع به جنگ و رسیدن به صلح وجود داشته باشد و اصولی رعایت شود. نحوه عمومی و اطلاع‌رسانی اعلام صلح؛ استیفای حقوق افرادی که در جنگ حقوق آنان ضایع شده؛ عدم مجازات شهروندان غیر نظامی در دولت شکست خورده؛ مجازات عادلانه متجاوزان و پرهیز از انتقام؛ اصلاح و آبادانی کشور شکست خورده پس از رسیدن به صلح (حاج اسماعیلی و حبیب‌الهی، ۱۳۹۱: ۳۴-۳۵). در باب دو مفهوم دیگر، نظریه واقع‌گرایانه جنگ بیان‌گر آن است که این پدیده واقعیتهایی اجتناب‌ناپذیر از جامعه بشری است و حاکمیت‌ها حتی به صورت ناخواسته به آن وارد می‌شوند و از سوی دیگر، انتقام، توسعه‌طلبی و قدرت-خواهی در انسان و جوامع، ذاتی و نهادینه است؛ لذا کاربست مفهوم عدالت در آن عملاً بی‌محتوا و یک تناقض ماهوی است (همان، ۳۵). نظریه صلح‌گرایی در برابر واقع‌گرایی و بر آن است که همواره راهی بجز جنگ وجود دارد، لذا اساساً ورود به جنگ امری غیر اخلاقی است (همانجا). بدین ترتیب، این سه مفهوم، هر سه با یکدیگر در تناقض هستند.

میراث فکری اسلامی نیز خود برداشته‌هایی از موضوع جنگ داشته است. در اسلام معادل موضوعی اخلاق جنگ بیش‌تر مفهوم «جهاد» بوده است که اهداف توحیدی و عادلانه جواز آن را صادر می‌کنند و بارزترین شرط آن، «فی سبیل الله» بودن است؛ همین‌طور شروطی چون مقابله با تجاوز، دفاع از مظلوم، رفع فتنه و فقدان راه حل مسالمت‌آمیز ذکر شده است. جهاد را در اسلام به دفاعی و ابتدایی تقسیم می‌کنند (فیرحی، ۱۳۸۷: ۱۳۵؛ حاج اسماعیلی و حبیب‌الهی، ۱۳۹۱: ۳۱). از این میان، جهاد دفاعی در برابر هر گونه تهاجم معنا می‌یابد، اما جهاد ابتدایی تفاسیر و شروطی دارد. طی قرون اولیه و میانی اسلامی که مورد توجه بازه تاریخی این پژوهش است، معمولاً نزد قاطبه مسلمانان اصل در رابطه میان حاکمیت اسلامی و غیر اسلامی بر جهاد بود و بدین ترتیب، در رویارویی با دولت‌های غیر مسلمان، جهاد ابتدایی ضروری و واجب کفایی بود (حاج اسماعیلی و حبیب‌الهی، ۱۳۹۱: ۳۸-۳۹؛ فیرحی، ۱۳۸۷: ۱۳۳).

در مجموع، برای پرداختن به موضوع عدالت و اخلاق در سیره نظامی صلاح‌الدین ضروری است تا ضمن داشتن درکی از مفاهیم جهادهای دفاعی و ابتدایی، تلاش نماییم

تا نسبت سیره نظامی وی با هر یک از سه رهیافت مفهومی جنگ عادلانه و دیدگاه‌های واقع‌گرایانه و صلح‌گرایانه جنگ را بکاویم.

۱-۱. زندگی تاریخی صلاح‌الدین ایوبی

صلاح‌الدین یوسف بن ایوب بن شادی در سال ۵۳۲ ق در ناحیه تکریت در شمال عراق کنونی زاده شد. پدرش، ایوب، و عموی او شیرکوه، از امیران زنگی، خاندان مشهور اتابکان سلجوقی شام، بودند (بهاء‌الدین بن شداد، ۱۹۶۴: ۶). صلاح‌الدین در عصر انحطاط و زوال قدرت فاطمیان اسماعیلی مذهب در مصر، در ادامه حلقه‌ای از قدرت فزاینده چهره‌های سیاسی اهل تسنن در آن سرزمین، در سال ۵۶۴ ق به مقام وزارت فاطمیان رسید و توانست به نفع جریان سیاسی اهل تسنن، خلافت فاطمیان را ساقط سازد و سلطنت ایوبیان را پی‌افکند (قلقشندی، بی تا: ۹۱/۱۰-۹۸). حکومت ایوبیان در عهد وی بر بخش‌های گسترده‌ای از شام، مصر، حجاز و حتی یمن حکمرانی داشت و وجه بارز دوران سلطنتش، برچیدن یادمان‌های فرهنگی و مذهبی فاطمیان اسماعیلی مذهب از مصر و سپس جنگ‌های متعدد و سلسله‌وار با صلیبیان در شام بود (بهاء‌الدین بن شداد، ۱۹۶۴: ۴۶؛ ابن خلدون، ۱۳۶۳: ۸۱۳/۲؛ زرکلی، ۱۳۹۶: ۸/۲۲۰؛ بدران، ۱۳۴۶: ۲۰/۳).

تصویر عمومی صلاح‌الدین در منابع تاریخ‌نگاری اسلامی با وجوهی فرهنگی، مانند عزم و عمل در ساخت خانقاه‌ها و مدارس (ابن‌واصل، ۱۳۸۳: ۱۹۷؛ ابن تغری بردی، ۱۴۱۳: ۶/۷۳؛ مقریزی، ۱۴۱۸: ۳/۳۶۴؛ ذهبی، ۱۴۱۴: ۱۴۵؛ الماسی، ۱۳۹۳: ۳۰۷؛ گروسه، ۱۳۷۷: ۲۸۶)، بنیان‌آبادانی و ثروت در مصر و شام، «الگوی از تربیت اسلامی» و «عامل به شریعت اسلام» ترسیم شده است؛ وی را فردی پرهیزکار، خیراندیش، جسور، کریم، بخشنده، رقیق‌القلب، خوش‌رو و نیکو معاشرت، مهربان و اهل علم و دانش، دارای حُسن رفتار و کردار پسندیده، در کنار صلابت در جهاد با دشمنان خوانده‌اند. زندگی شخصی او را نیز بسیار زاهدانه توصیف کرده‌اند (بهاء‌الدین بن شداد، ۱۹۶۴: ۷-۳۴؛ عمادالدین اصفهانی، ۲۰۰۴: ۳۴۱-۳۴۴؛ ابن جبیر، ۱۳۷۰: ۸۵؛ ابن طقطقی، ۱۴۱۸: ۱۷۹؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷: ۱۲، ۲۵۷؛ زرکلی، ۱۳۹۶: ۸/۲۲۰؛ طارق علی، ۱۳۸۵: ۸/۲۲۰؛ دعکور، ۲۰۰۶: ۲۸۹ به بعد).

صلاح‌الدین تا پیش از رسیدن به وزارت و سلطنت، با علوم اسلامی، فقیهان و محدثان مصاحبت داشت (بهاء‌الدین بن شداد، ۱۹۶۴: ۷). وی سرانجام در ۲۷ صفر سال

۵۸۹ ق، پس از دوازده روز بیماری سخت در دمشق درگذشت و در همان شهر به خاک سپرده شد (بهاء‌الدین بن شداد، ۱۹۶۴: ۲۴۶؛ عمادالدین اصفهانی، ۲۰۰۴: ۳۲۶-۳۲۷). عجین بودن نام وی با جنگ چنان است که وقایع‌نگار درگاه وی، بهاء‌الدین بن شداد، در فهرست خود از رزم‌های وی در برابر صلیبیان تنها به تصرف نزدیک به ۸۰ شهر و قلعه به دست وی تصریح دارد (بهاء‌الدین بن شداد، ۱۹۶۴: ۲۴۸). بدین‌ترتیب، می‌توان گفت که موضوع «مهیّب بودن معطوف به کسب پیروزی» و «خوش‌رفتاری‌های فردی ناشی از اخلاقی‌بودن در قبال دشمن» در زمان جنگ در حیات صلاح‌الدین دو موضوع با اهمیت بوده است و در نتیجه، شناخت رابطه میان آنان ضروری خواهد بود.

۲-۱. پیشینه پژوهش

سیره اخلاقی صلاح‌الدین ایوبی، از عصر وی و آثار تاریخ‌نگارانی مانند بهاء‌الدین بن شداد (۱۹۶۴: ۷-۳۴) و عمادالدین اصفهانی (۲۰۰۴: ۳۴۱-۳۴۴) مورد توجه بوده است. در میان پژوهشهای معاصر، «اخلاق الناصر صلاح‌الدین ایوبی» نوشته رسول الهسنیانی و صالح شیخو، در نشریه البحوث و الدراسات الاسلامیه (۲۰۱۳) و «فراخوانی شخصیت صلاح‌الدین ایوبی و کارکرد آن در شعر معاصر فلسطین» نوشته محمدرضا شیرخانی، نعمت عزیزی و دیگران در نشریه لسان مبین (۱۳۹۴ش)، از جمله آثاری هستند که به اخلاق حکمرانان صلاح‌الدین توجه داشته‌اند، اما نه با محوریت اخلاق جنگ و جنگ عادلانه. در تک‌نگاری عرب دکور با نام *الدولة الأيوبية: تأريخها السياسي و الحضاري* (۲۰۰۶) نیز نگاه به تاریخ دوران صلاح‌الدین و جنگ‌های وی بیش‌تر مبتنی بر نگاه سنتی منابع اسلامی است، به نحوی که از منظر اخلاق جنگ بدو نگریسته نشده است.

در شخصیت‌نگاری‌های تألیف شده درباره سلطان ایوبی، از جمله صلاح‌الدین ایوبی نوشته آلبر شاندور/کمپدور^۱ (۱۳۶۹) نیز موضوع اخلاق جنگ مورد توجه و تحلیل نبوده است، هرچند اشمال بر گزارش‌هایی که از منابع مسیحی گردآوری شده، فارغ از لحن داستانی، استفاده از برخی گزارش‌های این دست آثار را برای این پژوهش مفید ساخته است (ر.ک. ۱۳۶۹: ۱۹۹، ۲۸۸، ۴۱۷). آثار تألیفی در باب جنگ‌های صلیبی

^۱ . Albert Champdor.

مانند تاریخ جنگ‌های صلیبی رنه گروسه (۱۳۷۷) و رانسیمان (۱۳۸۴) نیز صرفاً در برخی گزارش‌ها مفید هستند، اما پژوهشی در باب اخلاق جنگ در باب صلاح‌الدین محسوب نمی‌شوند. یاکوو لَو^۱، پژوهش‌گری از فلسطین اشغالی، در اثر خود با نام صلاح‌الدین در مصر (۱۹۹۹)، هرچند به جزئیات فراوان دوران استقرار صلاح‌الدین در مصر و براندازی فاطمیان با دقت اشاره دارد؛ اما موضوع پژوهش وی در این دوره تاریخی هم‌چنان اخلاق جنگ نیست.

از پژوهش‌های فارسی زبان در باب مفاهیم اخلاق جنگ و جنگ عادلانه نیز می‌توان به مقالات «بررسی و تحلیل اخلاق جنگ در قرآن و حدیث» به قلم حاج‌اسماعیلی و حبیب‌الهی (۱۳۹۱)، «مفهوم جنگ و اخلاق نظامی در اسلام شیعی» از فیرحی (۱۳۸۷) و «شاخص‌های جنگ عادلانه در سیره نظامی امیرالمؤمنین(ع)» از مهدویان و افتخاری (۱۳۹۷) اشاره داشت که همگی در بخش نظری این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته‌اند. مقالات دیگری مانند «اخلاق جنگ در متون ادبی و فارسی» از محمدجعفر محلاتی در پژوهش‌نامه ادب حماسی (۱۳۸۵) و مقاله «نظریه جنگ عادلانه و اخلاق‌مداری در جنگ در میان مسلمانان (بر پایه آداب الحربها)» از محمد نورمحمدی نجف‌آبادی، محسن معصومی و دیگران در نشریه تاریخ و تمدن اسلامی (۱۳۹۷) نیز از جمله پژوهش‌هایی برای کاربردی‌ترین این نظریه در متون و یا منابع تاریخی هستند، اما به صورت موردی مفهوم اخلاق جنگ و نظریه جنگ عادلانه در سیره صلاح‌الدین ایوبی تا کنون مورد بررسی مستقل قرار نگرفته است.

۳-۱. سؤالات پژوهش

بخش مهمی از زندگی صلاح‌الدین ایوبی را جدال‌های سیاسی منتهی شده به جنگ تشکیل می‌دهد. نبردهای وی اغلب از سوی تاریخ‌نگاران مسلمان ستوده و مصادیقی عالی از جهاد دانسته شده است. رویکرد عمومی تاریخ‌نگاران و پژوهش‌های غیر مسلمانان در باب وی نیز معطوف به جنگاوری‌های مهیب و گاه داستانی وی بوده است. به سبب چنین روایت‌های متعددی از جنگ‌های وی و چنین رویکردهایی نسبت به این بخش از زندگی سیاسی او، این پژوهش به دنبال این پرسش اصلی است که آیا

¹ . Yaacov Lev.

۷ | جایگاه مفهوم جنگ عادلانه در سیره نظامی صلاح‌الدین ایوبی

شاخصه‌های جنگ عادلانه در رفتار و جنگ‌های صلاح‌الدین ایوبی قابل‌بازشناسی است؟

برای پاسخ به این پرسش کوشیدیم تا ابتدا چارچوب نظری، شاخصه و مفهوم جنگ عادلانه و اخلاق در جنگ را شرح کنیم. سپس با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و تکنیک گردآوری اسنادی در منابع دست اول و یا پژوهش‌های صورت گرفته، به دنبال داده‌هایی گشتیم که بیان‌گر تعاریف، اصول و معیارهای جنگ عادلانه یا اخلاقی باشد (اعم از هم‌خوان یا ناهم‌خوان، بدین معنی که یا مؤید جنگ عادلانه در سیمای صلاح‌الدین باشد و یا به روشنی نقض آن را نشان دهد). پیش فرض اصلی این پژوهش نشان می‌دهد که هرچند بخش مهمی از سیره نظامی وی با معیارهای جنگ عادلانه همخوان است، اما موارد ناقض این شاخصه‌ها، بیشتر می‌تواند مؤید نظریه واقع-گرایی، یعنی عدم تطبیق اخلاق و جنگ در باب سیره عملی وی در جنگ‌ها باشد. به سبب پراکندگی داده‌ها، کوشیده‌ایم تا به جای شاکله‌بندی این مقاله بر اساس شاخصه‌های جنگ عادلانه، بیش‌تر نحوه بیان توصیفی داده‌ها را از منظری تاریخی رعایت و تطبیق با شاخصه‌های جنگ عادلانه را به تحلیل‌های متن و نتیجه‌گذار کنیم.

۲- جنگ‌های ناشی از نزاع قدرت

۲-۱. رویارویی با فاطمیان

خلافت فاطمیان که از عهد خلیفه المستنصر فاطمی دوره‌ای از ضعف و انحطاط را تجربه کرده بودند. از نیمه اول سده ششم، به زنجیره‌ای از وزیران سنی مذهب برای اداره دستگاه خلافت روی آوردند؛ سیاستی که بیش از تأثیر در بقای فاطمیان، زمینه‌ساز سرنگونی آنان را فراهم آورد. صلاح‌الدین آخرین فرد از این زنجیره وزیران سنی بود که خلافت فاطمیان را در سال ۵۶۷ ق به نفع رقیب ایشان، خلافت عباسیان بغداد، ساقط کرد و به نام خلیفه عباسی و خود با لقب «سلطان» بر مسند حکومت مصر و شام تکیه زد (بهاء‌الدین بن شداد، ۱۹۶۴: ۴۵؛ یافعی، بی‌تا: ۲۸۶/۳؛ ابن خلدون، ۱۳۸۴: ۸۱۳/۲؛ تطیلی، ۲۰۰۲: ۱۵۶؛ خوندمیر، ۱۳۵۳: ۲۲۷).

در براندازی فاطمیان، صلاح‌الدین تمامی ویژگی‌های یک سیاست‌مدار کام‌جو و گاه غیر قابل‌اعتماد، حتی برای ولی امران خود را داشت؛ از جمله از ضعف فاطمیان بهره برده، در دستگاه آنان نفوذ کرد و در حالی که وزیر ایشان بود، برنامه‌های رقیب اصلی

آنان یعنی خلفای عباسی بغداد و اتابک شام، نورالدین زنگی را دنبال کرد تا سرانجام به سرنگونی فاطمیان نائل آمد (تتوی و قزوینی، ۱۳۸۲: ۳۲۶۲/۵).^۱ این که صلاح‌الدین در جانب‌داری از خلافت عباسی و ساقط ساختن فاطمیان تا چه حد صاحب عمل‌کردی مشروع بود، موضوعی است که ریشه در اختلاف‌های سیاسی و مذهبی داخلی جهان اسلام و حوادث جاری از صدر اسلام و تقسیم‌بندی‌های کلان شیعی و سنی در قدرت سیاسی دارد؛ در نتیجه، اگر در این فرایند هر نوع جنگ یا درگیری نظامی روی داده باشد، تلاش برای مشروع دانستن و تطبیق آن با اصول جنگ عادلانه موضوعی فراتر از این مقال خواهد بود، هرچند مصداقی از نبرد ایدئولوژیک تلقی شده و طبق برخی تعاریف فوق، از دایره نبرد عادلانه خارج می‌شود؛ اما جزئیات عمل‌کرد وی در این زمینه را نیز می‌توان مورد قرائتی اخلاقی قرار داد.

صلاح‌الدین در ساقط کردن فاطمیان، ابتدا نسبت به کانون توجه هواداران فاطمی و وجه مشروعیت نظام سیاسی آنان یعنی شخص خلیفه و یا به عبارتی، امام فاطمی، العاضدالدین الله، توجه لازم را مبذول نمود. گزارش‌ها از عاقبت عاضد تقریباً مبهم است و به رغم ذکر بیماری وی، ماجرای قتل او نیز گاه مطرح است (تتوی و قزوینی، ۱۳۸۲: ۳۲۶۱/۵؛ مستوفی، ۱۳۶۴: ۵۱۶؛ رشیدالدین، ۱۳۸۷: ۹۵؛ اشتری و بادکوبه، ۱۳۸۹: ۱۹-۲۰)؛ به نحوی که به نظر می‌رسد که خلیفه فاطمی تحت نفوذ صلابت صلاح‌الدین مقهور و در نهایت نیز از صفحه سیاسی حذف شده باشد.

رویکرد صلاح‌الدین در باب اعضای خاندان فاطمی نیز به همین منوال بود، چنان‌که وی برای انقطاع نسل ایشان دستور داد تا آنان را چنان محصور سازند که اجازه تولید مثل نیابند. افزون بر این، اموال خلافت فاطمی و وابستگان ایشان نیز به طور کامل ضبط و مصادره گردید تا این خاندان و یاران آنان برای همیشه از جامعه مصری محو گردند (بهاء‌الدین بن شداد، ۱۹۶۴: ۴۵؛ ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۲۶-۲۷؛ جوینی، ۱۳۸۵: ۱۳۳/۳؛ ابن خلدون، ۱۳۶۳: ۱۱۳/۳، ۱۱۳/۲؛ ابن تغری‌بردی، ۱۴۱۳: ۱۴۱/۲؛ ابن عماد حنبلی، بی‌تا: ۲۳۹؛ ابن بطوطه، ۱۴۱۷: ۲۲۵؛ ذهبی، ۱۴۱۴: ۱۲؛ حلبی، ۱۴۱۹: ۷۸/۳؛ ابوشامه، ۲۰۰۲: ۹۴/۲؛ سرور، ۱۹۹۴: ۱۳۴).

۱. نحوه نفوذ و استیلای صلاح‌الدین بر ساختار قدرت فاطمیان، از پدیده‌های پیچیده تاریخ سیاسی اسلام و هم‌چنان در خور تحقیق است.

در این نزاع قدرت، توطئه قتل غافل‌گیرانه مؤتمن خدم، کارگزار مهم فاطمی، به دستور صلاح‌الدین روی داد و شورش حدود پنج هزار تن از سپاهیان حبشی حامی مؤتمن برای انتقام به شدیدترین شکل، از جمله قتل آنان و غارت خانواده‌هایشان روی داد (تتوی و قزوینی، ۱۳۸۲: ۳۲۶۲/۵). قیام‌های دیگری نیز با قتل و اعدام شورشیان سرکوب شد (ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۲۶-۲۷). ایوبیان پیش از این نیز شاور، از امیران فاطمی را به قتل رسانده بودند (جوینی، ۱۳۸۵: ۵۱۳/۳). صلاح‌الدین در مسیر رسیدن به قدرت، صاحب‌منصبان دیگری را نیز به قتل از میان برداشت (مستوفی، ۱۳۶۴: ۵۱۶). داعیان اسماعیلی مانند عماره شاعر و عبد‌الصمد نیز از فرامین قتل صلاح‌الدین مصون نماندند (تتوی و قزوینی، ۱۳۸۲: ۳۲۸۸/۵). رشیدالدین (۱۳۸۷: ۹۵) حتی انگیزه صلاح‌الدین در دستیابی به خزائن ثروت فاطمی را در این روند بی‌تأثیر ندانسته است. به طور کلی، به نظر می‌رسد که شواهد رویارویی صلاح‌الدین با فاطمیان نه تنها از رویکردهای فردی اخلاق‌مدار سلطان بی‌بهره به نظر می‌رسند، بلکه به راحتی انگیزه‌های جاه‌طلبانه در ساقط کردن حریفان را در وی نشان می‌دهند.

۲-۲. برخورد با رقیبان داخلی

صلاح‌الدین سلسله نبردهایی با امیران مسلمان در نواحی شام و شمال عراق داشت؛ از جمله، نبردهایی که با خاندان ولی امر پیشین خود، یعنی اولاد نورالدین زنگی، مانند ملک صالح بن نورالدین و سایر اتابکان و امیران محلی این نواحی مانند عزالدین مسعود، قلیچ ارسلان بن مسعود، قطب‌الدین ینال بن حسن مَنبِجی و سیف‌الدین حاکم موصل روی داد (تتوی و قزوینی، ۱۳۸۲: ۳۳۰۵/۵، ۳۳۱۱، ۳۳۳۳؛ رانسیمان، ۱۳۸۴: ۴۷۷/۲). این نبردها به دلیل قرار داشتن در داخل قلمرو سیاسی جهان اسلام، آن هم در داخل قلمرو سیاسی بخش‌های سنی مذهب، مصداقی از جنگ مشروع و جنگ دولت-های مشروع در نظریه جنگ عادلانه محسوب نمی‌شوند، بلکه به وضوح نشان از قدرت‌طلبی سیاسی سلطان ایوبی دارند. از این‌رو، موضوع، هدف و انگیزه‌های عادلانه عملاً در مورد آنان صدق ندارد. در چنین نبردهایی البته تهاجم امیران رقیب نیز گاه زمینه ایجاد نبرد بود (تتوی و قزوینی، ۱۳۸۲: ۳۳۳۳/۵)؛ اما شکی نیست که سلطان ایوبی انگیزه توسعه‌طلبانه بیش‌تری نسبت به سایر امیران مسلمان، به ویژه در قبال تصرف قلمرو آنان داشت (همان، ۳۳۳۷).

از سوی دیگر، طی این نبردها، شواهدی واضح از غارت اموال این امیران مسلمان از سوی سلطان ایوبی و سپاهیان وی دیده می‌شود (تتوی و قزوینی، ۱۳۸۲: ۳۳۰۵/۵، ۳۳۱۱؛ رانسیمان، ۱۳۸۴: ۴۷۷/۲). اموال اسماعیلیان نیز در نواحی حلب توسط سپاه ایوبی به غارت رفت (تتوی و قزوینی، ۱۳۸۲: ۳۳۱۵/۵). تهاجم صلاح‌الدین به شهر مسلمان‌نشین موصل را حتی همراه با قتل عامی فاجعه‌بار ذکر کرده‌اند (ابن عماد حنبلی، بی‌تا: ۲۸۶). بدین ترتیب، می‌توان گفت که بخش قابل توجهی از نبردهای صلاح‌الدین در داخل سرزمین‌های اسلامی، عملاً از مفاهیم و مصادیق جنگ عادلانه فاصله می‌گیرد.

۳- اخلاق در میدان جنگ

۳-۱. مشروعیت جنگ

مشهورترین وجه شخصیت تاریخی صلاح‌الدین را می‌توان رویارویی‌های نظامی وی با صلیبیان دانست. در این جنگ‌ها، صلاح‌الدین نماینده جبهه‌ای عظیم از انگیزه‌های جهادی مسلمانان بر ضد مسیحیان مهاجم به سرزمین‌های اسلامی بود. اساس جنگ‌های وی، مقوله‌ای «واضح» از جهاد تلقی و اهتمام بدان، از مکارم اخلاق حکمرانی صلاح‌الدین برشمرده می‌شد (ر.ک. بهاء‌الدین بن شداد، ۱۹۶۴: ۲۱-۲۳). واضح است که تصریح متون اسلامی و بعدها فقیهان مسلمان بر وجوب عینی جهاد دفاعی در برابر تهاجم غیر مسلمانان از یک سو و از دیگر سوی، تأکید فقیهان متقدم بر اصالت جهاد در رابطه میان دولت اسلامی با دولت غیر اسلامی که از آن به عنوان «جهاد ابتدایی» نیز یاد می‌شود، در هر دو وجه با تهاجم صلیبیان به سرزمین‌های اسلامی تطبیق داشت و از این رو، از هر نظر رویارویی مسلمانان با صلیبیان مصداقی از جهاد یا جنگ عادلانه محسوب می‌شد (ر.ک. فیرحی، ۱۳۸۷: ۱۳۲-۱۳۵). کشتارهای هولناک صلیبیان بر ضد شهرهای اسلامی بجز انگیزه‌های اسلامی، موضوع دفاع در برابر آنان را توجیه‌پذیر می‌ساخت و به جنگ بر ضد ایشان مشروعیت لازم را می‌بخشید. به عبارت دیگر، نظر به کیفیت تخریبی و تهاجمی حضور صلیبیان در سرزمین‌های اسلامی، هدف جنگ‌های صلاح‌الدین با صلیبیان را می‌توان عادلانه دانست. آنچه دامنه نفوذ تهاجمی صلیبیان در سرزمین‌های اسلامی را گسترده‌تر می‌ساخت، آشفتگی درونی نظام سیاسی جهان اسلام از اواخر سده پنجم بود. به نحوی که عباسیان در بغداد، دورانی از افول اقتدار خلیفه را داشتند، سلجوقیان پس از مرگ نظام‌الملک و ملک‌شاه، دورانی از انحطاط را تجربه می‌-

کردند که بازتاب گسترده‌تر آن در نظام سیاسی اتابکان آنان در شام عیان بود؛ فاطمیان در مصر نیز دورانی از افول را تجربه می‌کردند. در چنین شرایطی، در برابر تهاجم صلیبیان از سوی دولت‌های مطرح اسلامی تنها نوعی «بی‌اعتنایی» صورت پذیرفت (حتی، ۱۳۸۰: ۶۱۵-۶۱۹). با این حال، ظهور اتابکان زنگی و متعاقباً وارث سیاسی آنان، یعنی ایوبیان، نمادی از دولت مشروع صاحب حق آغاز نبرد بود (بهاء‌الدین بن شداد، ۱۹۶۴: ۲۱-۲۲). از این رو، به نظر می‌رسد در باب تطبیق اصول هدف و مشروعیت آغاز جنگ عادلانه با نبردهای صلاح‌الدین بر ضد صلیبیان بتوان بخش مهمی از این انطباق را معنا یافته دید.

۲-۳. روش‌های کسب پیروزی

۱-۲-۳. محاصره، تخریب و کیفیت تهاجم

عدم تعرض به غیر نظامیان که می‌تواند شامل محل‌های سکونت، مزارع و چارپایان اهلی باشد، عدم استفاده از سلاح‌های غیر متعارفی که با نابودگری، به همه چیز، از جمله غیر نظامیان و محیط‌زیست آسیب می‌رساند و عدم نسل‌کشی از ویژگی‌های جنگ عادلانه است. با این وجود، جنگ‌ها با خشونت ذاتی و عرصه‌ای برای حذف رقیب تا تضمین بقای خود، همواره جلوه‌گر رفتار خشن هستند. در چنین خشونت‌هایی، غیر نظامیان یا سکنه عادی شهرها و قلعه‌ها آسیب‌پذیران همیشگی صحنه‌های نبرد هستند. بیش‌ترین اشکال از خشونت‌های سراسری در شیوه‌های جنگی سلطان ایوبی را می‌توان در دو مقوله محاصره شهرها و قلعه‌ها، قطع آب و آذوقه مردم، تهاجمات سهمگین با سلاح‌های نامتعارف آن روزگار، مانند منجنیق و تخریب دیوارها، حصارها و ابنیه عمومی دید. در حملات به بیت‌المقدس و یا تبین در لبنان، تهاجم سپاهیان سلطان چنان بود که بسیاری از اهالی و سکنه غیر نظامی قتل عام شدند (بهاء‌الدین بن شداد، ۱۹۶۴: ۸۰؛ ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۱۲، ۱۱۵). تهاجم سلطان ایوبی در شعبان ۵۸۷ ق، به شهر صلیبی عسقلان نیز همراه با تخریب فراوان خانه‌ها و اماکن عمومی بود (مقدسی، ۱۹۹۱/۱۴۱۱: ۶۸؛ حملاوی، ۱۴۰۲: ۵۳؛ عفّانی، ۱۴۲۴: ۱۳۱)، چنان‌که تا قرن‌ها بعد نیز این شهر آبادان نگردید (حنبلی، بی‌تا: ۷۴/۲؛ مقریزی، ۱۴۱۸: ۳/۳۲۰).

موارد مشابه چنین تهاجماتی از سوی سپاه ایوبی را در قتل عام اسماعیلیان قلعه مَنبج، تخریب حصارهای فُسطاط، نابودی کامل قلعه بیت جبرین در نزدیکی بیت-المقدس و تخریب کلیساهای لاذقیه گزارش کرده‌اند (مقریزی، ۱۴۱۸: ۳/۲۵۷؛ یاقوت حموی، ۱۹۹۵: ۵۱۹/۱، ذیل «لاذقیه»؛ قلقشندی، بی تا: ۴/۱۷۷؛ شاندرور، ۱۳۶۹: ۴۱۷).

صلاح‌الدین در نبرد قلعه صَفَد دستور داد تا قلعه را محاصره کنند. سپاهیان وی در برابر دژ، منجنیق‌هایی برپا کردند و سنگ باران دژ را شب و روز ادامه دادند. با تمام شدن ذخائر آذوقه شهر که با مدت‌ها محاصره و ممانعت از ورود ارزاق اتفاق افتاده بود، اهالی در برابر سپاهیان ایوبی تسلیم شدند (ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۲۱/۱۲). در فتح شهر درب ساک، حملات با محاصره و سنگ باران منجنیق‌ها شروع شد و سپس یورش سپاهیان ایوبی و طولانی شدن کارزار، اهالی را به درخواست امان واداشت تا جان به در برند و شهر و تمامی اموال خویش را ترک کنند (همان، ۲۱۴). کَرک نیز با محاصره‌ای طولانی، اتمام ذخایر غذایی، روی آوردن محاصره شونده‌گان به خوردن چارپایان و در نهایت تقاضای ایشان برای دریافت امان برای جان خویش همراه شد (همان، ۲۱؛ یافعی، بی تا: ۳/۳۱۶). در تصرف قلعه کَوکَب، صلاح‌الدین چندین راهکار را همزمان پیشبرد تا در نهایت به موفقیت رسید؛ استفاده از جنگ روانی در بیم از قتل عام اهالی، ممانعت از رسیدن آب و آذوقه و بستن راه گریز از طریق ساحل و دریا، حملات منجنیق‌ها، تیراندازها، نقب‌زنان و پیشروی نهایی سپاهیان که به تسلیم شهر انجامید (ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۱۲/۲۴-۲۵).

نبردهای عسقلان نیز با کاربرد منجنیق‌ها و کشتار فراوان اهالی همراه بود و دست به دست شدن آن میان طرفین باعث شد تا در نهایت سلطان امر به تخریب شهر و حصارهای آن دهد (بهاء‌الدین بن شداد، ۱۹۶۴: ۸۰؛ ابن شداد، ۱۹۹۱: ۱۰۸). در نبرد قلعه آیلَه در سال ۵۷۰ ق، سلطان ایوبی به محاصره‌ای کامل از خشکی و دریا به وسیله سپاهیان و کشتی‌ها دست زد و با کشتار سهمگین موفق به تصرف آن‌جا گردید (مقریزی، ۱۴۱۸: ۳/۲۵۷؛ تتوی و قزوینی، ۱۳۸۲: ۵/۳۲۶۲). فتح صور نیز با به کارگیری منجنیق‌ها همراه شد و از همین‌رو، شمار تلفات اهالی بسیار و تهاجم سپاهیان سلطان از خشکی و دریا عملاً یک محاصره سخت بود (بهاء‌الدین بن شداد، ۱۹۶۴: ۸۳). ضربات منجنیق‌ها در حملات به بیت‌المقدس نیز کشتار فراوان به همراه داشت (همان، ۸۱؛ عمادالدین اصفهانی، ۱۹۸۷: ۳، ۵۴). نمونه همین حملات، در فتح صهیون

نیز اتفاق افتاد و به پیروزی نهایی سلطان ایوبی انجامید. در این نبرد، سلاح‌های متنوعی به کار گرفته شده بود که همگی میزان تلفات را افزایش می‌داد (ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۱۲/۱۰؛ محمدبن تقی‌الدین، بی تا: ۱۳۷).

تصرف یافا نیز به سبب برخورداری از دیوارهای مستحکم تنها با بارش سنگین منجنیق‌ها میسر شد (بهاء‌الدین بن شداد، ۱۹۶۴: ۱۰۸؛ رانسیمان، ۱۳۸۴: ۸۸/۳). در تصرف بیروت نیز همین شیوه‌ها به کار گرفته شد و کشتاری سنگین روی داد (بهاء‌الدین بن شداد، ۱۹۶۴: ۸۰). تهاجم سلطان به بیت جبرین در حوالی بیت‌المقدس، این شهر را کاملاً تخریب کرد (سیوطی، بی تا: ۲۰۷/۲). فتح قلعه‌های بغراس و درب-ساک نیز با تهاجم منجنیق‌ها همراه بود (ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۱۲/۱۴-۱۵؛ تتوی و قزوینی، ۱۳۸۲: ۳۳۸۷/۵). در فتح قلعه بَرزویه گزارش شده است که حجم بارش سنگ‌های منجنیق چندان بود که به عدد هر فردی در محیط قلعه سنگی فرود آمده بود (همان، ۳۳۸۳). نقب زدن و آتش افکندن در نقب‌ها نیز از شیوه‌های سپاه سلطان بود که به فروریختن یکباره بناها می‌انجامید و همراه با تلفات بود (همان، ۳۳۳۳).

برای رسیدن به پیروزی، سپاهیان سلطان گاه از نابودی عناصر طبیعی و یا استفاده از فسادانگیزی اجساد انسانی بهره می‌بردند؛ چنان‌که در محاصره عکا، سپاهیان ایوبی اجساد را در نهر و منبع اصلی شرب آب ساکنان صلیبی ریختند تا آنان را از آب سالم محروم کنند (ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۳۱/۱۲). در نبرد لاذقیه نیز کاری مشابه با منابع آبی صلیبیان صورت گرفت، چنان‌که تا چند روز در نهر نعمان خون، لاشه و چربی اجساد جاری بود و حشرات انبوهی جمع شده بود (شان‌دور، ۱۳۶۹: ۴۱۷). فشار ناشی از امتناع از برداشت آب بر دشمن حتی در صحنه‌های نبرد نیز ممکن بود به یاری سپاهیان سلطان بیاید (گروسه، ۱۳۷۷: ۲۴۶-۲۴۷). گزارشی از تلاش صلاح‌الدین برای بستن آب شرب موصل بر اهالی مسلمان به قصد تصرف آن نیز وجود دارد (تتوی و قزوینی، ۱۳۸۲: ۳۳۶۳/۵). به آتش کشیدن بسیاری از مزارع و یا منابع گیاهی و جنگلی نیز شیوه‌ای بود که در نبردهایی مانند ناصره، قیصریه، ارسوف، سَماریه و نابلس از سوی سپاهیان سلطان برای فشار آوردن بر صلیبیان اعمال شد (شان‌دور، ۱۳۶۹: ۲۹۰). در نبرد کرک سپاهیان سلطان به قطع درختان و تخریب نواحی برای تسلیم کردن حریف دست زدند (محمدبن تقی‌الدین، بی تا: ۹۳). از این رو، با تکیه بر شواهد فوق، می‌توان دریافت

که سلطان ایوبی برای دستیابی به هدف نظامی خود در خلال جنگ کم‌تر محدودیتی اخلاقی برای سپاهیان خود قائل بوده است.

۲-۲-۳. جایگاه صلح

صلح جویی که از مصادیق مهم جنگ عادلانه است و اصل در جنگ عادلانه بر آن است، همواره در سیره نظامی صلاح‌الدین جایگاه قابل توجه و کارآمدی داشته است. از میان نزدیک به ۸۰ شهر و قلعه که متصرفات صلاح‌الدین از صلیبیان هستند، نزدیک به نیمی با امان سلطان ایوبی به صلیبیان و بدون انجام نبرد نهایی فتح شد (بهاء‌الدین بن شداد، ۱۹۶۴: ۲۴۸). از جمله مهم‌ترین فتوحات وی با صلح، فتح بیت‌المقدس بود که در پی طلب امان صلیبیان روی داد (همان، ۸۱-۸۲؛ عمادالدین اصفهانی، ۲۰۰۴: ۷۱-۷۲). گزارش‌های مربوط به صدور امان از سوی سلطان به صلیبیان که نقش مهمی در برقراری آرامش داشت، در باب سایر نبردها نیز در دسترس است (ر.ک. ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۱۲/۱۳).

پایبندی سلطان ایوبی به مفهوم صلح را می‌توان در هزینه‌های سیاسی و نظامی پرداخت شده برای رسیدن به صلح و پذیرش دست و دل‌بازانه بسیاری از شروط دشمن با وضوح بیش‌تری دید؛ برای نمونه، در انعقاد صلح لاذقیه (عمادالدین اصفهانی، ۲۰۰۴: ۱۳۰؛ ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۹/۱۲)، صلح با ریمون، فرمانده صلیبی، که مفاد آن را بیش‌تر به نفع صلیبیان دانسته‌اند تا مسلمانان و صلح عسقلان که در آن مهلتی چهل روزه برای ترک شهر و انتقال اموال به صلیبیان داد، خانوارهای باقی‌مانده مسیحی را امنیت بخشید و برخی امیران در بندشان را آزاد کرد (گروسه، ۱۳۷۷: ۲۳۵؛ بهاء‌الدین بن شداد، ۱۹۶۴: ۸۰). در مذاکرات صلح سال ۵۸۰ ق. نیز سلطان ایوبی با آرامش و بخشش مفاد درخواستی صلیبیان را مورد توجه قرار داد (همان، ۲۱۸-۲۲۱).

با این حال، در برخی صلح‌نامه‌ها، سلطان ایوبی شرایط سختی بر دشمن تحمیل می‌کرد؛ مثلاً در صلح دژ درب ساک، سلطان بر صلیبیان شرط کرد تا برای جان به در بردن، هنگام ترک دژ تنها حق دارند لباسی بر تن داشته باشند و آنان نیز پذیرفتند و سلطان از قتل آنان چشم پوشید (ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۱۴/۱۲). در بیش‌تر مواقع، مانند فتح بیت‌المقدس و صهیون، صدور فرمان امان سلطان همراه با دریافت جزیه از اهالی بود (همان، ۱۰).

در بسیاری از صلح‌ها، صلاح‌الدین رفتاری ناشی از هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و دوستانه در باب صلیبی‌ها نشان می‌داد که خود از عناصر پایداری صلح بود؛ برای نمونه، صلاح‌الدین در نامه‌ای خطاب به فردریک، فرمانده صلیبی، وعده کرد تا اجازه حضور یک کشیش در معبد رستاخیز را صادر کند، کلیساها و صوامع مسیحی را به ایشان بازگرداند، با مسیحیان به مدارا رفتار کند و به زائران اماکن مقدس مسیحی در بیت‌المقدس اجازه تردد دهد (شان‌دور، ۱۳۶۹: ۳۴۷). در خشک‌سالی شدید و همراه با قحطی سال ۵۸۰ ق، صلاح‌الدین به درخواست ریمون، فرماندار صلیبی، مقدار زیادی آذوقه به آنان بخشید (ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۱۲/۱۳).

در مقایسه با سایر جنبه‌های رفتار نظامی صلاح‌الدین با دشمنان، مانند قدرت تهاجم بدون در نظر گرفتن موضوع غیر نظامیان، گرایش وی به برقراری صلح‌های پاینده با دیگران را می‌توان ضمن برشمردن به عنوان شاخصه‌ای از جنگ عادلانه، راهبردی سیاسی- نظامی در سیره سیاسی سلطان در نظر گرفت که به وی مدیریت قدرت نظامی برای درگیری‌های وسیع و طولانی را می‌بخشید تا در نهایت وی را به پیروزی‌های پایدار نزدیک‌تر سازد.

۳-۳. اداره موقعیت‌های پیروزی

۱-۳-۳. رفتار با اسیران

عفو و تنبیه رفتارهایی متناقض از سوی سلطان هستند که هر دو را در سیره وی در باب اسیران می‌بینیم. در فتح بیت‌المقدس برخی از صلیبیان به اسارت درآمد، به رغم سوابق اعمال وحشتناک ایشان بر ضد مسلمانان، عفو عمومی صادر کرد و حتی نگهبانانی گمارد تا انتقام‌جویی علیه اسیران صورت نپذیرد (بهاء‌الدین بن شداد، ۱۹۶۴: ۸۱-۸۲؛ عمادالدین اصفهانی، ۲۰۰۴: ۷۱-۷۲؛ گروسه، ۱۳۷۷: ۳۰۱-۳۰۲). در برابر این رفتارهای مدارجویانه با اسیران، گاه نیز رفتارهای قهرآمیز و یا آمیخته با انتقام‌جویی، تنبیه و کینه را در سیره نظامی صلاح‌الدین می‌بینیم؛ چنان‌که در سال ۵۸۳ ق، صلاح‌الدین پس از برای چندین بار کش‌مکش با صلیبیان بر سر عکّا، با فتح آن، کشتار وسیعی از صلیبیان انجام داد، به نحوی که بوی ساطع از اجساد در حوالی شهر موجب بیماری سپاهیان و حتی شخص صلاح‌الدین گردید. در آخرین جنگ دوران حیات وی بر سر عکّا در شعبان ۵۸۸ ق، صلاح‌الدین به تلافی رفتار ریچارد، فرمانده صلیبی، در کشتار شمار

فراوانی از اسرای مسلمان، دستور داد تا اسرای صلیبی را اعدام کنند (بهاءالدین بن شداد، ۱۹۶۴: ۲۱۹؛ شاندر، ۱۳۶۹: ۴۵۱).

نمونه دیگری از انتقام‌جویی فردی صلاح‌الدین را می‌توان در برخورد با آرنات/رینالد، فرمانده صلیبی، دید. آرنات با نقض شرایط صلح، کاروانی از مسلمانان مصر را به قتل رسانده و مسلمانان را داغ‌دار کرده بود؛ صلاح‌الدین نیز نذر کرده بود تا چنانچه بر وی دست یابد، او را شخصاً به قتل رساند؛ در حواشی نبرد حطین (رجب ۵۸۳ق)، آرنات به اسارت درآمد و صلاح‌الدین او را با شمشیری کوتاه موسوم به «نیمچه» ضربت زد و به قتل رساند. البته در هنگام قتل وی، صلاح‌الدین رفتار حکمرانان با حکمرانان اسیر را ضرورتاً همراه با بخشش دانست، اما دلیل آورد که موضوع آرنات به سبب تعدی و تجاوز، جدای از این اصل است (بهاءالدین بن شداد، ۱۹۶۴: ۷۸-۷۹). موارد نادر دیگری از قتل فرماندهان صلیبی به فرمان سلطان ایوبی نیز در منابع اسلامی دیده می‌شود (ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۳۱/۱۲). بر اساس گزارش دیگری، پس از فتح دوباره شهر بانیا، شمار فراوانی از صلیبیان که در فتح شهر بر مسلمانان ستم روا داشته بودند، اسیر شدند؛ از این میان، صلاح‌الدین شماری از ایشان را حتی با دست خود به قتل رساند و اموالشان را مصادره کرد (حنبل، بی‌تا: ۲۸۵؛ یافعی، بی‌تا: ۳/۳۰۳). قتل اسیران صلیبی با اجازه سلطان و به دست بزرگان درگاه صلاح‌الدین، به انگیزه تبرک و سبقت در امر خیر، در موارد دیگری نیز گزارش شده است (گروسه، ۱۳۷۷: ۲۶۰). شمار زیادی از اسیران حطین توسط سپاه سلطان به قتل رسیدند (بهاءالدین بن شداد، ۱۹۶۴: ۷۷؛ ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۱۲/۱۵-۱۷). هرچند ستاندن فدیه از متمولان و آزادی ایشان نیز در این نبرد و یا سایر نبردها گزارش شده است (گروسه، ۱۳۷۷: ۱۵۷، ۲۵۰). در نبرد تبین نیز به رغم تعصب مسیحیان آن‌جا بر دین و پافشاری در دفاع، سلطان پس از پیروزی از پیروزی از قتل عام احراز و به اسارت بازماندگان بسنده کرد (بهاءالدین بن شداد، ۱۹۶۴: ۸۰). در نبرد آبله نیز سلطان به رغم دشوار بودن تصرف، پس از تسلط به کشتار اهالی دست نزد و آنان را به اسارت گرفت (مقریزی، ۱۴۱۸: ۳/۲۵۷). در نبرد بیروت نیز متعاقب شکست دشمن، بخشی از نیروهای آنان تسلیم سلطان شدند (بهاءالدین بن شداد، ۱۹۶۴: ۸۰). گاه در مواردی که شمار اسیران صلیبی فراوان بود، با آنان به مثابه اشیاء بی‌ارزش رفتار شده و در برابر بهای ناچیزی در بازارهای

¹ . Renaud de Châtillon.

برده‌فروشان به حراج گذاشته می‌شدند (رانسیمان، ۱۳۸۴: ۵۳۷/۲). ابن جبیر (۱۳۷۰: ۳۶۲) تصریح دارد که افزون بر اموال غارت شده از شهرها و قلعه‌های صلیبی، مسیحیان و حتی یهودیان به اسارت درآمده از این مناطق نیز به وفور در بازارهای شهرهای اسلام به فروش می‌رسیدند.

منابع مسیحی گاه تصریح دارند که رفتار سلطان ایوبی در قبال اسیران بیش‌تر توأم با بخشش بود؛ اما در مقاطعی، کشتار اسیران مسلمان توسط صلیبیان موجب شد تا صلاح‌الدین نیز، به ویژه در نبرد عکّا و پس از آن، به انتقام، بسیاری از اسیران مسیحی را گردن زند (گروسه، ۱۳۷۷: ۲۷۳). شاندر (۱۳۶۹: ۲۵۹) گزارش می‌کند که پس از نبرد حطّین، سلطان ایوبی ۲۳۰ تن از اسیران صلیبی را که از اسلام آوردن امتناع کرده بودند، گردن زد. او گزارشی از قتل اسیران توسط درگاهیان سلطان و گاه با شمشیرهایی گند و دردناک را نیز ذکر کرده است (همان، ۲۶۰). شاندر البته برخی از این رفتارهای خشن را متوجه امیران سلطان می‌داند و نه شخص او (همان، ۲۷۴).

در مجموع، می‌توان رفتار سلطان با اسیران را تابعی از شرایط نبرد و پیش از آن دانست؛ یعنی در شرایطی که پیش از نبرد و یا در خلال آن، صلیبیان رفتارهای خشن و تندی بر ضد مسلمانان داشتند، سلطان به سهولت به انتقام روی می‌آورد، اما در بسیاری از موارد دیگر، کشتار اسیران و بدرفتاری با آنان را ضروری نمی‌دانست.

۲-۳-۳. رفتار با شهروندان و مناطق تصرف شده

تصاویر رفتارهای صبورانه و توأم با عفو صلاح‌الدین با بسیاری از صلیبیان پس از دست‌یابی به پیروزی قابل توجه است و معمولاً وی را عاری از کینه‌جویی، خشونت و انتقام‌نشان می‌دهد (طارق علی، ۱۳۸۵: ۲۷۰). برای نمونه، در جریان فتح بیت‌المقدس فرمان عدم تجاوز به زنان و عدم تعقیب شهروندان غیر نظامی را صادر کرد. حتی دستور داد تا صدها تن از مسیحیان فقیر از پرداخت مالیات جزیه معاف شوند که افزون بر نمایش عواطف انسانی، مصداقی از توجه به سامان‌دهی وضع شهر پس از اتمام نبرد بود (بهاء‌الدین بن شداد، ۱۹۶۴: ۸۱-۸۲؛ عمادالدین اصفهانی، ۲۰۰۴: ۷۱-۷۲؛ گروسه، ۱۳۷۷: ۳۰۲-۳۰۱).

برخی رفتارهای سلطان در رویارویی مستقیم با غیر نظامیان مسیحی، نمونه‌های فردی ملاطفت را گزارش می‌دهد؛ از جمله سال‌خوردگانی مسیحی در بیت‌المقدس که مورد احسان فراوان صلاح‌الدین قرار گرفتند و یا نوزاد مسیحی ربوده و فروخته شده‌ای

که به امر سلطان یافته و به مادرش بازگردانده شد (ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۱۲/۲۴؛ ابن عماد حنبلی، بی تا: ۱/۴۷۶). دستور به آزادسازی فقیران بدون فدیة گرفتن، بخشیدن چارپایان به در راه ماندگان ناتوان مسیحی و آزادسازی زنان برای بازگشت نزد همسر و خانواده، از دیگر رفتارهای مشابه از سوی صلاح‌الدین بوده است (سرور، ۱۹۹۴: ۱۳۴؛ گروسه، ۱۳۷۷: ۲۵۳-۲۵۶). صلاح‌الدین به پیشنهاد برخی از سپاهیان مبنی بر تخریب کامل اماکن مقدس مسیحی در بیت‌المقدس واکتف منفی نشان داد و به استناد رفتار فاتحان نخستین اسلامی در عصر خلفای راشدین، آن را روا ندانست (همان، ۲۹۸). با این حال، وی نسبت به برچیدن نشان‌ها و نمادهای صلیبیان و مسیحیان از بیت‌المقدس بی تفاوت نبود و در فرصتی کوتاه شهر را به یکباره از وجهه‌ای مسیحی شده به شهری دوباره اسلامی برگرداند (ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۱۲/۲۵).

با وجود گزارش‌های فوق، گزارش‌های قابل توجه دیگری از غارت شهرهای تصرف شده به دست سلطان نیز در دست است؛ شاندر (۱۳۶۹: ۱۹۹) گزارشی از غارت کردن و آتش زدن قریه بیسان توسط نیروهای سلطان متعاقب تخلیه آن توسط اهالی صلیبی دارد. منابع اسلامی نیز به غارت‌هایی مشابه، مانند غارت نواحی نابلس، غزه و آیله اشاره دارند (ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۱۲/۲۶-۲۵؛ تتوی و قزوینی، ۱۳۸۲: ۳۲۶۲/۵-۳۳۶۳). رانسیمان (۱۳۸۴: ۲/۴۸۶، ۳/۸۸) نیز به چنین غارت‌هایی در حوالی بیت‌المقدس و یافا اشاره دارد و حتی تصرف غزه را همراه با قتل عام اهالی می‌داند (همان، ۲/۴۵۵). آتش‌زدن برخی منازل، به اسارت گرفتن فرزندان و زنان خاندان فرمانروای صلیبی و غارت خانه‌ها نیز گزارش شده است (ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۱۲/۱۶). قلعه شُغر را سپاهیان ایوبی پس از تسخیر به جهت دور از دسترس و محصور بودن، به کلی ویران کردند (تتوی و قزوینی، ۱۳۸۲: ۵/۳۳۸۲). در فتح نابلس نیز سپاهیان سلطان بسیاری از اهالی، از جمله یهودیان را اسیر و اموال، محصولات و املاک آنان را تصرف کردند (ابن جبیر، ۱۳۷۰: ۲۶۳-۲۶۲). در حالی که گزارش‌هایی از رفتارهای ملاطفت‌آمیز فردی سلطان با غیر نظامیان شهرهای تصرف شده موجود است، اما شواهد متعدد دیگری نشان از رفتارهای خشونت‌بار و ویران‌گر سلطان در برخورد با اهالی شهرهای تصرف شده دارد. در برابر رفتارهای عمدتاً فردی سلطان در دسته اول یا گزارش‌هایی که نمونه‌هایی همراه با کرامت و بخشش است، شواهد دسته دوم بیش‌تر سیاست

دستگاه حاکمیت سلطان را بیان می‌کنند که دامنه برخورد فراتر و تأثیر بیش‌تری داشته‌اند و می‌توانند از اهمیت بیش‌تری در شناخت رفتار سیاسی سلطان حکایت کنند.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر ضمن نگاهی به مفهوم اخلاق در جنگ و موضوعاتی مانند اصول و شاخصه‌های جنگ عادلانه، کوشید تا از این منظر نگاهی به جنگ‌های صلاح‌الدین ایوبی داشته باشد و داده‌هایی منطبق با این حوزه را از خلال منابع و تکیه‌نگاری‌ها گرد آورد. دستاورد حاصل از این فرآیند نشان از آن دارد که صلاح‌الدین ایوبی در تمامی عرصه‌های سیاسی، یعنی تقابل با صلیبیان مهاجم، فاطمیان اسماعیلی مذهب و اتابکان سنی مذهب، یک فرمانروای توسعه‌طلب بوده که بالطبع جنگ بخشی مهم از سیاست‌های وی را شامل می‌شده است. با این حال، در جنگ با صلیبیان نمی‌توان اهداف دفاعی وی از سرزمین‌های اسلامی را نادیده گرفت؛ هرچند، تنها هدفمندی قاطع برای رسیدن به پیروزی‌های سیاسی و نظامی است که می‌تواند بخش مهمی از رفتار خشن وی در قبال فاطمیان، اتابکان و صلیبیان را توجیه کند. در تطبیق شاخصه‌های جنگ عادلانه با عملکرد نظامی صلاح‌الدین، بخش‌هایی از این شاخصه‌ها و اصول جنگ عادلانه، مانند رفتارهایی بخشاینده با برخی اسیران و یا تلاش برای رسیدن به صلح به جای جنگ، به وضوح قابل تشخیص است؛ اما در عین حال، ویژگی‌های حذف و سرکوب فاطمیان، تصرف قلمرو اتابکان رقیب و نیز برخوردهایی از مصادیق انتقام، خشونت، غارت، ویرانی و تهاجم نامتعارف، به روشنی نقاط عکسی در برابر شاخصه‌های جنگ عادلانه هستند؛ لذا می‌توان نتیجه گرفت که از مجموع مباحث نظری در حوزه اخلاق جنگ، صلاح‌الدین بیش‌تر مبین نظریه واقع‌گرایانه جنگ است که جمع اخلاق و خشونت جنگ را منتفی می‌داند و هیچ جنگی (در بخش مهمی از سیره صلاح‌الدین) را هادی به اصول اخلاقی نمی‌داند.

فهرست منابع و مآخذ

- ابن اثیر، عزالدین علی بن ابی‌الکرام (۱۹۶۵). *الکامل فی التاریخ*، جلد ۱۲، بیروت: دار صادر- دار بیروت.
- ابن بطوطه، محمد بن عبدالله (۱۴۱۷). *رحله ابن بطوطه: تحفه النظار فی غرائب الأمصار و عجائب الأسفار*، محقق عبدالهادی تازی، رباط: مطبوعه الأكاديمية المملكة المغربية.

- ابن جبیر، محمد بن احمد (۱۳۷۰). *سفرنامه ابن جبیر*، مترجم پرویز اتابکی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- ابن خلدون (۱۳۸۴). *العبر: تاریخ ابن خلدون*، ترجمه عبدالحمید آیتی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ابن شداد، محمد بن علی بن ابراهیم (۱۹۹۱). *الأعلاق الخطیره فی ذکر أمراء الشام و الجزیره*، تحقیق یحیی زکریا، دمشق: وزارة الثقافة.
- ابن عماد حنبلی، ابی الفلاح عبدالحی (بی تا). *شذرات الذهب فی أخبار من ذهب*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن واصل، محمد بن سالم (۱۳۸۳). *تاریخ ایوبیان (مُفرج الکُروب فی أخبار بنی ایوب)*، مترجم پرویز اتابکی، تهران: بی جا.
- ابوشامه، عبدالرحمان بن اسماعیل (۲۰۰۲). *الروضتین فی اخبار النوریه و الصلاحیه*، بیروت: دارالمکتب العلمیه.
- اشتری تفرشی، علیرضا؛ بادکوبه هزاوه، احمد (۱۳۸۹). «سیاست‌های مذهبی وزیران سنی فاطمیان: انگیزه‌ها، اهداف و راهبردها»، *پژوهش‌نامه تاریخ تمدن اسلامی*، سال ۴۳، شماره ۱.
- بهاء‌الدین بن شداد، یوسف بن رافع بن تمیم بن عتبه الأسدی الموصلی (۱۹۶۴). *النوادر السلطانیه و المحاسن البیوسفیه او سیره صلاح‌الدین*، تحقیق الدكتور جمال‌الدین الشیال، قاهره: مکتبه الخانجی.
- تتوی، احمد و قزوینی، آصف‌خان (۱۳۸۲). *تاریخ آلفی*، تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- تُطیلی، بنیامین بن یونه (۲۰۰۲). *رحله بنیامین تطیلی*، ترجمه عزرا حداد، ابوظبی: بی جا.
- جوینی، عظاملک بن محمد (۱۳۸۵). *تاریخ جهانگشای جوینی*، تهران: دنیای کتاب.
- حاج‌اسماعیلی، محمدرضا؛ حبیب‌الهی، مهدی (۱۳۹۱). «بررسی و تحلیل اخلاق جنگ در قرآن و حدیث»، *پژوهشنامه اخلاق*، شماره ۱۵.
- حتّی، فیلیپ خوری (۱۳۸۰). *تاریخ عرب*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: آگه.
- حلبی، کامل بن حسین (۱۴۱۹). *نهر الذهب فی تاریخ حلب*، جلد ۳، حلب: دارالقلم.
- حَمَلَاوی، احمد بن محمد (۱۴۰۲). *شذا العرف فی فن الصرف*، نصرالله عبدالرحمن نصرالله، ریاض: مکتبه الرشد الرياض.
- دعکور، عرب (۲۰۰۶). *الدولة الأیوبیه: تأریخها السیاسی و الحضاری*، بیروت: دارالمواسم.

| جایگاه مفهوم جنگ عادلانه در سیره نظامی صلاح‌الدین ایوبی | ۲۱

- ذهبی، محمد بن احمد (۱۴۱۴). *سیر أعلام النبلاء*، شعيب أرناؤوط، بيروت: مؤسسه الرساله.
- رانسیمان، استیون (۱۳۸۴). *تاریخ جنگ‌های صلیبی*، ترجمه منوچهر کاشف، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- رشیدالدین فضل‌الله همدانی (۱۳۸۷)، *جامع التواریخ*، تهران: میراث مکتوب.
- زرکلی، خیرالدین (۱۳۹۶). *الأعلام قاموس تراجم لأشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربین و المستشرقین*، بيروت: دارالعلم للملایین.
- سرور، محمد جمال الدین (۱۹۹۴). *الدولة الفاطمية في مصر*، قاهره: دارالفکر العربی.
- سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر (بی‌تا). *حسن المحاضرة في أخبار مصر و القاهرة*، بيروت: دارالکتب العلمیه.
- شاندر، آلبر (۱۳۶۹). *صلاح‌الدین ایوبی*، ترجمه محمد قاضی، تهران: زرین.
- طارق، علی (۱۳۸۵). *صلاح‌الدین نامه*، ترجمه سهیل سمی، تهران: ققنوس.
- عفانی، ابوتراب سید بن حسین بن عبدالله (۱۴۲۴-۲۰۰۴). *أعلام و أقزام في میزان الإسلام*، جده: دارماجد.
- عمادالدین اصفهانی، محمد بن حامد (۱۹۸۷). *البرق الشامی*، تحقیق فالح حسین، عمان: مؤسسه عبدالحمید شومان.
- _____ (۲۰۰۴). *الفتح التسی فی فتح القدس*، بيروت: دارالمنار.
- فیرحی، داوود (۱۳۸۷). «مفهوم جنگ و اخلاق نظامی در اسلام شیعی»، *فصلنامه سیاست (دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)*، شماره ۵.
- قلقشندی، احمد (بی‌تا). *صبح الأعشی فی صناعة الإنشاء*، قاهره، وزارة الثقافة.
- گروسه، رنه (۱۳۷۷). *تاریخ جنگ‌های صلیبی*، تهران: پژوهش روزافزون.
- محمدبن تقی‌الدین، عمر بن شاهنشاه ایوبی (بی‌تا). *مضمار الحقائق و سر الخلائق*، محقق حسن حبشی، قاهره: عالم‌الکتب.
- مستوفی، حمدالله (۱۳۶۴). *تاریخ گزیده*، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: امیرکبیر.
- مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد (۱۹۹۱/۱۴۱۱). *أحسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم*، قاهره: مکتبه مدبولی.
- مقریزی، احمد بن علی (۱۴۱۸). *المواعظ و الاعتبار بذکر الخیط و الآثار المعروف بالخیط المقریزی*، جلد ۳، بيروت: دارالکتب العلمیه.
- مهدویان، علیرضا؛ افتخاری، اصغر (۱۳۹۷). «شاخص‌های جنگ عادلانه در سیره نظامی امیرالمؤمنین (ع)»، *فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام*، شماره ۳۸.

- یافعی، عبدالله بن اسعد (بی تا). *مِرآةُ الْجَنَانِ وَ عِبْرَةُ الْيَقْظَانِ فِي مَعْرِفَةِ مَا يُعْتَبَرُ مِنْ حَوَادِثِ الزَّمَانِ*، جلد ۳، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- یاقوت حموی، شهاب‌الدین ابوعبدالله بن عبدالله (۱۹۹۵). *معجم البلدان*، بیروت: دار صادر.



The Position of the Concept of Just War in Saladin`s Military Conduct

*Fatemeh Ahmadvand, *Alireza Ashtari Tafreshi**
Somayyeh Aghamohammadi, *** Hasan Sianati*****

Abstract

The twenty-two years of Saladin's rule, who is the founder of Ayyubid dynasty and the first sultan of Egypt and the Levant, witnessed tens of his battles against the Crusaders. Some of his battles happened against Muslim emirs in Egypt, the Levant, and Northern Iraq. The present paper, drawing on just war theory, aims to explore the findings of its historical study of the Islamic sources and some Christian research in order to provide an answer to the question of to what extent Saladin's military conduct and policies are compatible with the principles of just war. The results of this descriptive-analytical study indicate that Saladin's military conduct is more in line with the realistic theory of war rather than with the concept and principles of just war theory because while the latter consider just war a legal war to achieve peace by avoiding cruel treatment of civilians, prisoners, and the aggressed environments, Saladin has fought wars with the aim of attaining more dominance, accompanied by revenge and unconventional invasions destructive for the civilians. Therefore, in spite of his observance of ethical rules in many wars, cruelty and seeking power is observed in his other wars.

Keywords: Saladin, just war, Crusader.

* Corresponding author: Assistant Professor, Imam Khomeini International University; Email: ahmadvand@isr.ikiu.ac.ir.

**Assistant Professor, Hakim Sabzevari University; Email: a.tafreshi@hsu.ac.ir.

*** PhD Student, Ferdowsi University of Mashhad.

**** Assistant Professor, Hakim Sabzevari University.

| Received: June 9, 2019; Accepted: October 12, 2019 |